

رحمة الله تفحص و تجسس بسیار نموده تا ۲۸ ملک عظیم القدر کثیر المنفعه که (بر) ۲۸ حروف تهجی موکلند از نسخ صحیح تصحیح نموده اند و خاطر از غلط آن جمع فرموده و فقیر به آن طریق دعوت کرده . . . \*

این کتاب بیش از ۱۲۰ لوح و جدول حروفی و عددی دارد. متن با خط شکسته نستعلیق و بعضی با نسخ است. بر حاشیه صفحات که با خطی دیگر است - آنهم نه خوب - رباعیاتی آورده شده است که منسوب به ابوسعید ابوالخیر است. از آن جمله:

ای دلبر ما میباش بی دلبر ما      یکدلبر ما به از دوصد دلبر ما  
نه دلبر ما نه دلبر اندر بر ما؟      یا دلبر ما فرست یا دلبر ما  
ابوسعید ابوالخیر

\* \*

افعال بدم ز خلق پنهان میکسن      دشوار جهان بر دلم آسان میکن  
امروز خوشم بدار فردا با من      آنچه از کرم تو میسزد آن میکن  
شاه شیخ ابواسحق آل مظفر

\* \*

گر در یمنی چو با منی پیش منی      گر پیش منی چو بی منی در یمنی  
من با تو چنانم ای نگار یمنی      خود در غلطم که من توام یا تو منی

ایرج افشار

## چاپهای یک کلمه

برای فریدون آدمیت

"یک کلمه" نوشته میرزا یوسف خان مستشارالدوله از احرار و روشن بینان عصر ناصری است (۱). این رساله کوتاه ولی پر معنی نخستین بار در همان عهد یعنی کمی پس از نگارش بطبع رسید. اما تاریخ دقیق طبع آن را نمی دانیم. تحریر کتاب در پاریس به اتمام رسید زیرا مؤلف در انتهای آن نوشته است "فی یوم جمعه بیستم شهر ذیقعدہ الحرام در

۷۶ ایشان پس خبر میدهند ایشان را آنچه را که میکردند

## تحقیق

فرنگها قدر نعمات و آیات خداوند را زیادتر از اهل مشرق زمین میدانند

و عثمائی تمام بمفاد کلام حقیقت فرجام دارند

وَمِنْ آيَاتِهِ اخْتِلَافُ لِسَانِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ

بجمله قدر شناسی نعمات خداوند است که در فرنگستان اکثر اهل آن ذکر و روایت

افلاس چهار زبان مختلف یاد میگیرند

در مشرق زمین اگر کسی زبان خارجه تکلم کند هزار بار ادا و او را در می آورند

در کتاب پنجمی پاریس و لندن پیش از پنجاه سال کتب دیده ام

فی یوم جمع بیستم شربذ بعد الحرام در پاریس نهمین شهریور ۱۲۷۲

این کتب در پاریس و لندن  
در کتاب پنجمی پاریس و لندن  
در کتاب پنجمی پاریس و لندن  
در کتاب پنجمی پاریس و لندن  
در کتاب پنجمی پاریس و لندن

قضایا روحی آن سپردن بلا دفع نواز این سر است ... یابیح هزار و پهلوت در ماه ذی القعدة  
 عید انصرفت غریب بجهت این دلخیزتر تا شریکانه قیاسی که در تنه هر کجاست نشیند ... در سال  
 در پنجاه پنجم و بدت مجوس کشند در تاریخ هزار و پهلوت بازده در پنجم شهر شریف برکت اینچنین است و در روزگار  
 وقت زوال شهر و ملکیش از خود خانه و او را سر را غارت کرد و اطفال صفاد شر را از صلابت مستبدان در آن  
 ظالم و بی پاک ترسان دلزان که از بد تو زنج و دست بدخ متعارفت پدر بکنه و در هر بان که بستان  
 ... بدتش بر نهی شهرت نصیبت شام آرد در غیب است او هم بود در غریب بعد از حضرت مولا علی  
 عقیه انعم تا بعت نمود بعد از این در پنج و پنج در وقت پر او مصلح و لایم است از وقت غذا شیر سیکند  
 غرض نصف نمود و شتر تلون می آید ... بار در دل پر در شتر به محبت دنیا عاقد و بی باعتر شریک  
 در میان نظر در آید محبت در این جهان با محبت و با سر هر چه در تنه صلیب می نمود ... و دیگر اطفال و شتر  
 بدخ با هم در پنجه می آیند ... با دست خود در جهنم که غنچه در باغ می آید با هر عزیز خیر شود و آن با تم  
 بقوت ایران قیاسی بلام و آن که خرم ساس که بکشته از دست مردم نیز در آن وقت نمشان دانگ کشید آن چنان  
 بد می تیغ خنجر و دانه در دنیا با نری پنجه خنجر کشند ... است شمار کفر و نیستند در دنیا در هر روز  
 دست آن شاه کبیر دست است در پرین و در دور مانگ اما هزار در جفت که اگر که طایر زنج هر  
 از نام نه به م باقی عیافت بیاد دست کلام روحی دلخیزتر می نمود ... و در حقیقت چه بر آن است  
 بر او که بعد از دست شازده سال از شتر زنگت خنجر کشند خیر که در دیند غنیمت تا هر زمان شتر که با ک  
 بر آید خون تا هر مسوکت که نیست خنجر در این صحرایم که با دانه می کشد و خنجر با چنان خنجر که می کشد در تره و تره  
 ملت در تنگ آن خنجر تا با بر نخواست بگردد و در تنگ خنجر در این ... ابتر و جبهه با کایات غنچه همان  
 و مظلوم که گمانی در آن و گمان که از زبان در پاریس با پایا که بر پاره غنچه خنجر بر آید و در دنیا میفوزد و چه است در این  
 کینه از در آن و با در آن نیز در دست هر است و نیکو و خنجر در دنیا میفوزد و چه است در این  
 آن هر دو در دنیا با نامی به شرح حال بقیعت نامه بر هر دو و مظلوم مورد زنج و به دست خنجر در شریقت هر دو

یادداشت نویسنده  
 این کتاب در سال ۱۲۰۰  
 در شهر ...  
 ...  
 ...

پاریس تحریر شد. سنه ۱۲۸۷ . یا رحیم . "یا رحیم" رقم کاتب نسخه است که قطعا "رحیم نام داشته است .

از "یک کلمه" سالها قبل نسخه‌ای به دست من افتاد که در انتهای آن میرزا یوسف‌خان به خط خود یادگاری نوشته و آن را به آقا میرزا محمد رئیس وزارت امور خارجه در تاریخ ۲ شهر شعبان ۱۲۸۸ اهداء کرده است . پس طبع یک کلمه قبل ازین تاریخ انجام شده است .

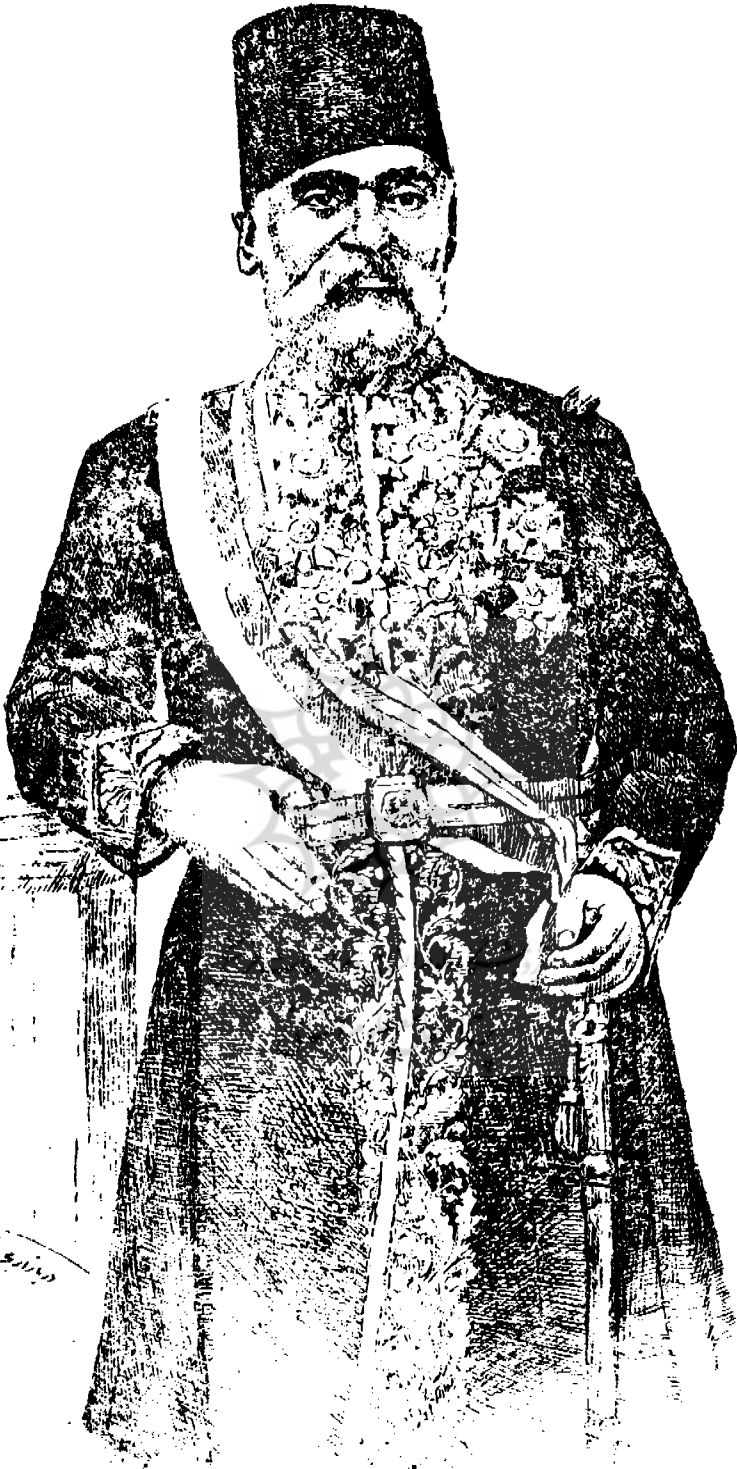
"یک کلمه" در عصر مشروطیت هم یکبار در تبریز به طبع رسید . این چاپ از حیث کاغذ و خط پستتر از چاپ نخستین است ولی از حیث اینکه تصویری از میرزا یوسف‌خان به قلم میرمصور دارد خالی از امتیازی نیست و مخصوصا ازین لحاظ هم که یک صفحه مطلب در احوال و صدمات مربوط به او دارد .

در باره این میرمصور نقاش خوشبختانه اطلاعی در دست است که آقای میرودود سید یونسی در مقدمه "دیوان صائب بخت خود شاعر" (تبریز، ۱۳۵۷) مرقوم داشته‌اند:

"مرحوم سیدحسین رسام پسر سید ابراهیم نقاش تبریزی معروف به میرمصور از استادان مسلم و مجهول‌القدر هنر نقاشی است که تحصیلات خود را در روسیه، تزاری، ایتالیا و فرانسه به پایان رسانیده و... مدتی در تبریز به سرمایه خود هنرکده‌ای به نام دارالصنایع مستظرفه، میرمصور بنا نهاد..."

تاریخ چاپ این نسخه هم به توضیحی احتیاج دارد . زیرا تاریخ کتابت نسخه جمعه ۱۲ ذی‌عقدۃ الحرام سنه ۱۳۲۴ (به خط نستعلیق نصرالله تبریزی) است ولی تاریخ نقاشی ۱۳۲۵ . اما از یادداشت انتهای نسخه که متعاقبا نقل می‌شود برمی‌آید که نسخه در سال ۱۳۲۷ طبع شده است زیرا نوشته است: "برای آنکه بعد از مدت شانزده سال باز نامش زنده گشت" و چون در سال ۱۳۱۱ فوت او را نوشته است پس ۱۳۲۷ سال طبع است .

چاپ کننده این نسخه در حاشیه انتهای آن نوشته است: "بقدر





محمد علی جناح